

پولس و برنابا در ایقونیه

¹اما در ایقونیه، ایشان با هم به کنیسه یهود در آمده، به نوعی سخن گفتند که جمعی کثیر از یهود و یونانیان ایمان آوردند.² لیکن یهودیان بی‌ایمان دل‌های اُمّت‌ها را اغوا نمودند و با برادران بداندیش ساختند.³ پس مدّت مدیدی توقف نموده، به نام خداوندی که به کلام فیض خود شهادت می‌داد، به دلیری سخن می‌گفتند و او آیات و معجزات عطا می‌کرد که از دست ایشان ظاهر شود.⁴ و مردم شهر دو فرقه شدند، گروهی همدستان یهود و جمعی با رسولان بودند.⁵ و چون اُمّت‌ها و یهود با رؤسای خود بر ایشان هجوم می‌آوردند تا ایشان را افضاخ نموده، سنگسار کنند، آگاهی یافته، به سوی لیستره و درّبه، شهرهای لیکاؤنیه و دیار آن نواحی فرار کردند.⁷ و در آنجا بشارت می‌دادند.

پولس و برنابا در لیستره

⁸و در لیستره مردی نشسته بود که پایهایش بیحرکت بود و از شکم مادر، لنگ متولد شده، هرگز راه نرفته بود.⁹ چون او سخن پولس را می‌شنید، او بر وی نیک نگریسته، دید که ایمان شفا یافتن را دارد.¹⁰ پس به آواز بلند بدو گفت: بر پایهای خود راست بایست! که در ساعت برجسته، خرامان گردید.¹¹ اما خلق چون این عمل پولس را دیدند، صدای خود را به زبان لیکاؤنیه بلند کرده، گفتند: خدایان به صورت انسان نزد ما نازل شده‌اند.¹² پس برنابا را مشتری و پولس را عطارد خواندند زیرا که او درسختن گفتن مقدّم بود.¹³ پس کاهن مشتری که پیش شهر ایشان بد، گاوان و تاجها با گروه‌هایی از خلق به دروازه‌ها آورده، خواست که قربانی گذارند.¹⁴ اما چون آن دو رسول یعنی برنابا و پولس شنیدند، جامه‌های خود را دریده، در میان مردم افتادند و ندا کرده، گفتند: ای مردمان، چرا چنین می‌کنید؟ ما نیز انسان و صاحبان غلّتها مانند شما هستیم و به شما بشارت می‌دهیم که از این اباطیل رجوع کنید به سوی خدای حیّ که آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنها است آفرید،¹⁶ که در طبقات سلف همه اُمّت‌ها را وا گذاشت که در طُرُق خود رفتار کنند،¹⁷ با وجودی که خود را بیشهادت نگذاشت، چون احسان می‌نمود و از آسمان باران بارانیده و فصول بارآور بخشیده، دل‌های ما را از خوراک و شادی پر

¹And it came to pass in Iconium, that they went both together into the synagogue of the Jews, and so spake, that a great multitude both of the Jews and also of the Greeks believed.² But the unbelieving Jews stirred up the Gentiles, and made their minds evil affected against the brethren.³ Long time therefore abode they speaking boldly in the Lord, which gave testimony unto the word of his grace, and granted signs and wonders to be done by their hands.⁴ But the multitude of the city was divided: and part held with the Jews, and part with the apostles.⁵ And when there was an assault made both of the Gentiles, and also of the Jews with their rulers, to use them despitefully, and to stone them,⁶ They were ware of it, and fled unto Lystra and Derbe, cities of Lycaonia, and unto the region that lieth round about:⁷ And there they preached the gospel.⁸ And there sat a certain man at Lystra, impotent in his feet, being a cripple from his mother's womb, who never had walked:⁹ The same heard Paul speak: who stedfastly beholding him, and perceiving that he had faith to be healed,¹⁰ Said with a loud voice, Stand upright on thy feet. And he leaped and walked.¹¹ And when the people saw what Paul had done, they lifted up their voices, saying in the speech of Lycaonia, The gods are come down to us in the likeness of men.¹² And they called Barnabas, Jupiter; and Paul, Mercurius, because he was the chief speaker.¹³ Then the priest of Jupiter, which was before their city, brought oxen and garlands unto the gates, and would have done sacrifice with the

می‌ساخت.¹⁸ و بدین سخنان خلق را از گذرانیدن قربانی برای ایشان به دشواری باز داشتند.¹⁹ اما یهودیان از انطاکیه و ایقونیه آمده، مردم را با خود متحد ساختند و پولس را سنگسار کرده، از شهر بیرون کشیدند و پنداشتند که مرده است.²⁰ اما چون شاگردان گرد او ایستادند برخاسته، به شهر درآمد و فردای آن روز با برنابا به سوی یرِبه روانه شد.

پولس و برنابا بارگشت به انطاکیه

²¹ و در آن شهر بشارت داده، بسیاری را شاگرد ساختند. پس به لیستره و ایقونیه و انطاکیه مراجعت کردند.²² و دلهای شاگردان را تقویت داده، پند می‌دادند که در ایمان ثابت بمانند و اینکه با مصیبت‌های بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم.²³ و در هر کلیسا بجهت ایشان کشیشان معین نمودند و دعا و روزهداشته، ایشان را به خداوندی که بدو ایمان آورده بودند، سپردند.²⁴ و از پیسیدیّه گذشته به پمفلیّه آمدند.²⁵ و در پرجه به کلام موعظه نمودند و به آتالیّه فرود آمدند.²⁶ و از آنجا به کشتی سوار شده، به انطاکیه آمدند که از همان جا ایشان را به فیض خدا سپرده بودند برای آن کاری که به انجام رسانیده بودند.²⁷ و چون وارد شهر شدند، کلیسا را جمع کرده، ایشان را مطلع ساختند از آنچه خدا با ایشان کرده بود و چگونه دروازه ایمان را برای امت‌ها باز کرده بود.²⁸ پس مدت مدیدی با شاگردان بسر بردند.

people.¹⁴ Which when the apostles, Barnabas and Paul, heard of, they rent their clothes, and ran in among the people, crying out,¹⁵ And saying, Sirs, why do ye these things? We also are men of like passions with you, and preach unto you that ye should turn from these vanities unto the living God, which made heaven, and earth, and the sea, and all things that are therein:¹⁶ Who in times past suffered all nations to walk in their own ways.¹⁷ Nevertheless he left not himself without witness, in that he did good, and gave us rain from heaven, and fruitful seasons, filling our hearts with food and gladness.¹⁸ And with these sayings scarce restrained they the people, that they had not done sacrifice unto them.¹⁹ And there came thither certain Jews from Antioch and Iconium, who persuaded the people, and, having stoned Paul, drew him out of the city, supposing he had been dead.²⁰ Howbeit, as the disciples stood round about him, he rose up, and came into the city: and the next day he departed with Barnabas to Derbe.²¹ And when they had preached the gospel to that city, and had taught many, they returned again to Lystra, and to Iconium, and Antioch,²² Confirming the souls of the disciples, and exhorting them to continue in the faith, and that we must through much tribulation enter into the kingdom of God.²³ And when they had ordained them elders in every church, and had prayed with fasting, they commended them to the Lord, on whom they believed.²⁴ And after they had passed throughout Pisidia, they came to Pamphylia.²⁵ And when they had

Acts 14

preached the word in Perga, they went down into Attalia:²⁶ And thence sailed to Antioch, from whence they had been recommended to the grace of God for the work which they fulfilled.²⁷ And when they were come, and had gathered the church together, they rehearsed all that God had done with them, and how he had opened the door of faith unto the Gentiles.²⁸ And there they abode long time with the disciples.